

متهم به قتل پدرزن در دادگاه:

به مادرم بی حرمتی کرد او را زدم

گروه حوادث / کامران علمدهی: **مرد جوانی که به اتهام قتل پدرزنش یک بار به قصاص محکوم اما حکمش از سوی دیوانعالی کشور نقض شده بود بار دیگر در شعبه هم‌عرض محاکمه شد.**

به گزارش «ایران»، دو سال قبل گزارش یک جدال

خونین در ملارد به پلیس اعلام شد. مأموران پس از حضور در محل دریافتند که دو مرد جوان با سد کردن راه خودروی مردی میانسال به نام حسام او را با ضربات قمه مجروح کرده‌اند اما ساعتی بعد وی به خاطر شدت جراحت و خونریزی شدید تسلیم مرگ شد. با مرگ حسام کارآگاهان تحقیقات خود را برای شناسایی دو متهم فراری آغاز کردند و با تحقیقات میدانی و بازرینی دوربین‌های مداربسته مشخص شد که ضارب وی دامادش محمود بوده است.

محمود ۲۴ ساعت پس از جنایت خودش را تسلیم کرد و تحت بازجویی قرار گرفت. او در توضیح ماجرا گفت: «من اتهام را قبول دارم اما قصدم قتل نبود. پدرزن یک روز قبل از این ماجرا همراه همسرم به خانه مادرم رفته و با فحاشی و ناسزاگویی او را زرنجاده بودند، من می‌خواستم پدرزن را ادب کنم.»

با اعتراف صریح متهم-پرونده برای رسیدگی به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. در اولین جلسه اولیای دم درخواست قصاص کردند و قضات بعد از شنیدن دفاعیات متهم و براساس مستندات پرونده و گزارش‌های پزشکی قانونی و پلیس، متهم را به قصاص محکوم کردند.

با صدور رأی متهم اعتراض کرد و پرونده به دیوانعالی

مرگ دو دانشجو در خوابگاه دانشگاه تهران

گروه حوادث: **به دنبال مرگ مشکوک دو نفر از دانشجویان رشته پزشکی ساکن کوی دانشگاه علوم پزشکی تهران تحقیقات جنایی برای روشن شدن این ماجرا آغاز شد.**

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ساعت ۱۱:۳۰ شامگاه شنبه ۱۹ممن، مدیر یکی از خوابگاه‌های دانشگاه علوم پزشکی متوجه غیبت دو نفر از دانشجویان خوابگاه شده و به اتاق آنها رفت. مدیر خوابگاه چندین بار در اتاق را زد اما از آنجایی که کسی پاسخ نداد و ماجرا مشکوک به نظرمی رسید وارد اتاق شد و در کمال ناباوری با اجساد فرهاد سالاری و عرفان طاهرخانی مواجه شد. مرگ دو دانشجوی سال سوم پزشکی به اورژانس و پلیس اعلام شد و با حضور در محل تحقیقات صورت گرفت. باتوجه به اینکه علت مرگ نامشخص بود به دستور بازپرس جنایی اجساد به پزشکی قانونی منتقل شده و تحقیقات در این رابطه ادامه دارد. روابط عمومی معاونت دانشجویی فرهنگی دانشگاه علوم پزشکی تهران نیز علت حادثه را منوط به اطلاع‌رسانی تکمیلی و بررسی علت حادثه، از مراجع رسمی دانشگاه اعلام کرد.



یکدیگر هستند و اگر خانواده متهم می‌خواستند، می‌توانستند با کمک گرفتن از ریش سفیدان فامیل رضایت بگیرند.»

در ادامه متهم به جایگاه رفت و در تشریح ماجرا گفت: «چند ماه قبل به خاطر مشکلات مالی مجبور شدم خانام را تحویل دهم و وسایل‌مان را به خانه مادرم و پدرزنم بردیم. بعد از آن همسرم به خانه پدرش رفت و پیغام داد که دیگر نمی‌خواهد با من زندگی کند. دختر ۴ ساله‌ام پیش مادرم بود. روز قبل از حادثه و در زمانی که خانه نبودم همسرم با پدرش به خانه مادرم رفته بودند و با توهین و فحاشی مدارکش را برداشته بود. وقتی برگشتم و متوجه ماجرا شدم موضوع را به برادرم

گفتم البته از برادرزن‌هایم می‌ترسیدم چون می‌دانستم که آنها ممکن است اسلحه داشته باشند و اگر به سراغ‌شان بروم من را بزنند. به همین خاطر با برادرم اول به کافه رفتیم و نسکافه و چای خوردیم. بعد هم به خانه یکی از دوستانم رفتیم. صبح با برادرم از کوچه پدرزنم رد می‌شدیم که او را داخل ماشینش دیدم به من رشخند زد وقتی به سمتش رفتم، فکر کردم می‌خواهد از داخل داشبورد اسلحه بردارد اما او به دنبال دستمال کاغذی بود من دو سنگ بزرگ به ماشینش زدم و در را باز کرده و با قمه او را زدم.»

قاضی گفت: «چند ضربه زدی و دقیقاً به کدام قسمت می‌زدی؟»

متهم جواب داد: «نامی دادم. من قصدم کشتن او نبود فقط می‌خواستم او را ترسانم.»

قاضی گفت: «شما ۷ ضربه به پای مقتول زدی که یکی از ضربات را سفیدران او خورده اگر می‌خواستی به قول خودت او را بترسانی این همه ضربه نمی‌زدی وقتی ضربات ادامه پیدا می‌کند یعنی به قصد کشتن به سراغش رفته بودی. شما از کوچه پدرزن رد نمی‌شدی کشیک او را می‌دادی و وقتی دیدی داخل ماشینش نشسته با موتور او را رسد کردی و بعد هم با قمه به سراغش رفتی تا او را بکشی. با این حال تا زمان صدور حکم وقت‌داری تا تلاش را برای گرفتن رضایت انجام دهی.»

متهم در واکنش به اظهارات قاضی گفت: «ما سراغ هرکسی رفتیم گفتند ما بزرگ‌تر آن خانواده نیستیم. حتی ما را راه ندادند تا بتوانیم صحبت کنیم. با این حال من بازهم تأکید می‌کنم که نمی‌دانستم عملم کشنده است و قصدی برای کشتن او نداشتم. اما اگر مجازاتم قصاص هم باشد هیچ اعتراضی ندارم و تسلیم.»

با پایان جلسه دادگاه قضات برای صدور رأی وارد شور شد ن.

نشت گاز علت انفجار در بندرعباس



رئیس آتش نشانی بندر عباس علت حادثه انفجار در یکی از ساختمان‌های بلوار معلم این شهر را نشت گاز اعلام کرد.

محمد امین لیاقت گفت: «ساعت ۱۳ و ۵۸ دقیقه شنبه، وقوع یک حادثه انفجار در

ساختمانی ۸ طبقه واقع در بلوار معلم بندرعباس به سامانه آتش‌نشانی گزارش شد که بلافاصله پس از دریافت گزارش، تیم‌های عملیاتی به محل اعزام شدند. بررسی‌های اولیه نشان داد نشت گاز علت اصلی این انفجار بوده است و بررسی‌های تکمیلی برای مشخص شدن جزئیات دقیق حادثه ادامه دارد.» در این حادثه طبقه دوم و سوم ساختمان تخریب شد و دو نفر از جمله یک دختر ۴۰ساله جان باختند و ۱۳ نفر مصدوم شدند.

۶ کشته در تصادف اتوبوس با سواری

برخورد اتوبوس با نیسان و پژو در جاده دزفول منجر به ۶ نفر شد.

عبدالحسین معظم‌فر، رئیس سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری دزفول گفت: «این حادثه ساعت ۷:۲۰ صبح یکشنبه در جاده دزفول به شوشتر، بعد از کارخانه فولاد رخ داد و اتوبوس با دو دستگاه خودروی پژو و نیسان وانت برخورد کرد. در این حادثه تمامی چهار سرنشین و راننده خودروی پژو ۴۰۵ و همچنین راننده نیسان وانت در دم جان باختند.»

رئیس سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری دزفول با بیان اینکه

اتوبوس در زمان وقوع حادثه بدون مسافر بوده است، گفت: «راننده مصدوم

اتوبوس که به دلیل شدت تصادف پشت فرمان گرفتار شده بود، توسط

عوامل آتش‌نشانی رها شد.»



▲ **افقی:**

جدول عادی

- لباس پاییزی -از مراتب علمی دانشگاهی
- پایوش زمستانی- نوشونده -غذای آماده!
- سنگینی قیمت‌ها- سیاستمدار -رسم مغولی
- خاطر- خدای دست‌ساخت!- پیچ تنظیم صدا
- پایتخت جهانی موسیقی
- موضوع -خاریشت -بازی فکری
- مکان به مکان -دیوار دور شهر- در کشتی رد و بدل می‌شود
- خدعه و نیزنگ - حشره قطاری! - مخفف من را
- گاه بر ضابطه چیره‌شود- نوشتن مطبوعات- خودرویی لوکس و کران
- غمگین -قیاس و هم‌سنجی -دبیر، سکرتر
- دوشاب -راه و طریق -فراهم‌سازی
- گل دندان! -پرش -بی‌رقی ندارد!
- آشامیدن -ادا کردن سخن -طایفه غرب ایران
- سوزه نود و دوم
- نسب‌شناس -زوجه -وان آب‌گرم چرخان
- طوفان همراه برف -رنگ آسمان -این هنگام
- ناسپاس -از گل‌ها

▼ **عمودی:**

- فیلم جلال فاطمی
- احترام کردن -دروغ نیست -آئین‌ها
- خاکستر عربی -قطعی برای کتاب -خجسته
- فلز تمدن‌ساز -واسطه -نشانه فعل استمراری
- پسونند محافظت
- زمین لم‌یزرع -برابر در وزن -ریاضیدان نابغه
- عدد گلر -اعتنا -رخسار و ریخت
- پایتخت «کانادا» -کلمه تصدیق -نوعی خودروی هیوندای
- موهای پشت لب -ممتاز، چشمگیر- نقش هنری
- از قطعات خودرو -ترسانک -شادمان شدن
- صدمه -آهو -درجه‌دار
- پست -باغ‌وحش بیگانه -پنهان‌نشینی صیاد
- ظرف قهرمانی!
- جلودار -دندانساز -پچه‌ترسان معروف
- پنجره قدیمی -مقابل «خرید» -بیشه‌زار نی
- از رشته‌های علمی و دانشگاهی

▲ **افقی:**

جدول ویژه

- گیاهی طبی -بازیگر فیلم «لانتوری»
- پایتخت صنعتی ایران -موجود -نخ بافتنی
- پارازیت- تعیین سطح پایه سلامت هر فرد- قطب متفی
- درخت مهم جنگلی -باران شدید- ایالت «هند»
- منع کردن
- سفید آذری -خوراکی چوبدنی -زیردست ارباب
- انجمن‌ها- ظرف تهیه جای -خم پارچه
- بی‌آبی -آرمان‌شهر- تحت -بیشه‌زار نی
- در بلا افتادن -تحت -متحرک
- اثری از ناخالصی در آن دیده نمی‌شود -ترموتر

◀ **خبر**

۱۱ ماه پس از آزادی مرد اعدامی رخ داد

درگیری مرگبار در صف تله‌کابین

گروه حوادث: مرضیه هماپونی/ **مرد زندانی که در زمان اجرای حکم قصاص با بخشش اولیای دم، طناب دار از گردنش باز شده بود، ۱۱ ماه پس از آزادی در صف سوار شدن به تله‌کابین کشته شد.**

به گزارش «ایران»، اردیبهشت سال ۹۶ این مرد جوان در یک درگیری خانوادگی، شوهر خواهر خود را به قتل رساند و فرار کرد، اما در حالی که پلیس در تعقیب او بود، ۳۰ روز بعد از جنایت با پای خود به کلانتری رفت و تسلیم شد. وی در اعترافاتش گفت: «یک ماه قبل خواهرم با ناراحتی و پریشان‌حال به خانه‌ام آمد و شنیدم که از شوهرش گلایه می‌کرد. از صحبت‌هایش فهمیدم با شوهرش دعوا کرده و امیر دست روی خواهرم بلند کرده است. از این ماجرا خیلی عصبانی و ناراحت شدم و خودم را به مغازه امیر رساندم و دعوایمان شد، بعد با جاقوینی که برای خرد کردن پنیر بود ضربه‌ای به او زدم و فرار کردم.»

او ادامه داد: «وقتی فهمیدم فوت کرده خیلی ناراحت شدم، در این مدت مدام از شهری به شهر دیگری می‌رفتم اما لحظه‌ای نتوانستم صحنه درگیری را فراموش کنم. عذاب وجدان آزارم می‌داد. با خودم گفتم تا کی می‌خواهی فرار کنی و بار این گناه را به دوش بکشی، در نهایت تصمیم گرفتم خودم را معرفی کنم.»

بخشش پای چوبه دار

به دنبال اعترافات مرد جوان، با تکمیل تحقیقات در دادگاه کیفری پای میز محاکمه رفت. قضات دادگاه با توجه به درخواست اولیای دم برای اشد مجازات و مدارک موجود در پرونده، حکم بر قصاص صادر کردند.

با تأیید این حکم از سوی دیوان‌عالی کشور، نام‌شاهین در فهرست محکومان به قصاص قرار گرفت، اما قبل از اینکه پای چوبه دار برود همزمان واحد صلح و سازش دادسرا وارد عمل شده و چندین جلسه صلح و سازش برای گرفتن رضایت از اولیای دم برگزار کردند. اما آنها در تمام جلسات یک جمله را به زبان می‌آوردند: پای چوبه دار همه چیز معلوم خواهد شد.

وقتی زمان اجرای حکم مشخص شد و شاهین سحرگاه یکی از روزهای زمستان سال گذشته پای چوبه دار رفت، درحالی‌که طناب دار دور گردنش گره خورده بود، مدام از خانواده امیر تقاضای بخششی می‌کرد، اما درست در آخرین لحظه و قبل از اینکه زیر پایش خالی شود، مادر مقتول فریاد زد: «دست نگه دارید به یک شرط می‌بخشم.» مأموران اجرای حکم بلافاصله طناب را از دور گردن قاتل باز کرده و زن میانسال گفت: «۷ سال از قتل فرزندم می‌گذرد و در این مدت خیلی عذاب کشیدم؛ می‌خواستم بفهمد که مرگ جقدر سخت است و قدر زندگی‌اش را بداند. شاهین هنرمند است و نقاش حرفه‌ای است، از او می‌خواهم به مدارس مناطق محروم اطراف تهران برود و به بچه‌هایی که به هنر علاقه‌مند هستند اما توانایی شرکت در کلاس‌های هنری را ندارند آموزش دهد و همه لوازم نقاشی را نیز برای آنها تهیه کند.»

مرگ بعد از آزادی

با قبول این شرط از سوی شاهین، مرد جوان بخشیده شد و از آنجایی که ۷ سال در زندان بود، آزاد شد و زندگی جدیدی را آغاز کرد. اما انگار زندگی، سرنوشت عجیبی برای شاهین رقم زده بود؛ چرا که ۱۱ ماه بعد از آزادی یک روز که به همراه خانواده‌اش راهی یکی از شهرهای شمالی شده بود و آنها برای تفریح و به قصد سوار شدن بر تله‌کابین در صف ایستاده بودند، بین شاهین و پسر جوانی که پشت سر او در صف به انتظار ایستاده بود بر سر نوبت دعوا شد. پسر جوان که بشدت عصبانی شده بود، جاقوینی را که به همراه داشت از جیبش بیرون آورد و ضربه‌ای به قفسه سینه شاهین زد؛ ضربه‌ای که جان او را گرفت و منجر به مرگش شد.

جدول روزنامه **ایران** دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۸۹۵۱

- ش- شب اول زمستان - نام «هبتلر» - پیشوند فقدان
- بی‌تعارف - اکنون - انبرک
- کلاهک دودکش - قالبی از قالب های شعر
- فارسی - ناپدید
- درخت استوا - درویشی - واحد اندازه‌گیری
- شدت زمین‌لرزه
- صعنی در شعر - ستاره‌شناس لهستانی - تصدیق عامی
- فیلم سامان مقدم - نشسته - لبه شمشر
- طرده کردن - صعود - بی‌دین و مشرک
- درخت انگور - حرف تمسخر - باران اندک -
- ستاره جام جهانی قطر
- ودبچه - دایر - نوعی از پرتقال
- گیاهی مثل درختچه - یکی از لوازم التحریر - برداشتن رنگ مو
- اثری از «البرکامو»

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱														
۲														
۳														
۴														
۵														
۶														
۷														
۸														
۹														
۱۰														
۱۱														
۱۲														
۱۳														
۱۴														
۱۵														

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱														
۲														
۳														
۴														
۵														
۶														
۷														
۸														
۹														
۱۰														
۱۱														
۱۲														
۱۳														
۱۴														
۱۵														

حل جدول ویژه شماره ۸۹۵۰

حل جدول سودوکو شماره ۴۱۵۲

۵	۶	۸	۱	۴	۷	۳	۲	۹	۷	۴	۵	۱	۳	۶	۸
۴	۳	۱	۵	۲	۶	۷	۸	۹	۵	۴	۳	۶	۷	۲	۱
۳	۷	۲	۹	۵	۱	۴	۸	۶	۳	۷	۲	۵	۱	۴	۸
۲	۸	۷	۳	۶	۵	۱	۴	۲	۹	۸	۷	۳	۶	۵	۱
۱	۶	۵	۲	۷	۳	۸	۹	۴	۱	۵	۶	۳	۸	۷	۲
۹	۵	۴	۳	۱	۲	۷	۶	۸	۵	۳	۹	۷	۲	۱	۴
۸	۶	۳	۷	۲	۹	۵	۱	۴	۸	۷	۳	۶	۵	۲	۱
۷	۲	۹	۵	۱	۴	۳	۸	۶	۷	۲	۱	۵	۳	۴	۶
۶	۷	۸	۹	۵	۱	۴	۳	۲	۶	۵	۷	۳	۸	۱	۴
۵	۱	۶	۳	۷	۲	۸	۹	۵	۴	۱	۲	۶	۳	۷	۵

سودوکو

سودوکو

سودوکو

سودوکو